



مطالعه تطبیقی مسئولیت مدنی غیر قراردادی وکیل دادگستری

فاطمه مالکی فروشانی

دانشجوی دکتری تخصصی دانشگاه تهران دانشکده پردیس

چکیده

در مواردی، بدون اینکه قراردادی میان اشخاص وجود داشته باشد، یک شخص در مقابل دیگری، به موجب قانون مسئولیت پیدا می‌کند و ملزم می‌شود که خسارات وارده را جبران کند، که به آن «مسئولیت مدنی غیر قراردادی» و یا «مسئولیت قهری» اطلاق می‌گردد. این امر در باب وکالت، همچون سایر مشاغل قابل بحث و بررسی می‌باشد، نوشتار حاضر به روش توصیفی - تحلیلی با هدف بررسی مسئولیت مدنی غیر قراردادی وکیل دادگستری، به مطالعه تطبیقی پرداخته است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که مستفاد از نظام حقوق ایران، آمریکا، انگلستان و فرانسه در ورود ضرر و خسارت، اصل جبران ضرر بر عهده ی زیان زنده قرار می‌گیرد، هرچند در نظام حقوقی آمریکا، در بین حقوقدانان در این خصوص اتفاق نظر وجود ندارد اما در ورود ضرر و خسارت، اصل جبران ضرر بر عهده ی زیان زنده قرار می‌گیرد، این امر در حقوق انگلیس تحت عنوان «وظیفه مراقبت» و در حقوق ایران به عنوان «تکالیف قانونی» موضوعیت یافته است؛ همچنین ماده ۱۲۴۰^۱ قانون مدنی فرانسه بیان میدارد هرگونه عمل انسانی که منجر به ایراد خسارت به دیگری شود شخصی را که این خسارت به واسطه ی تقصیر او ایجاد شده است ملزم به جبران خسارت میکند، لذا چنانچه وکیل، نسبت به شخص ثالث که خارج از قرارداد می‌باشد، موجب ورود زیان و خسارت گردد؛ به اقتضای مسئولیت غیر قراردادی، ملزم به جبران خسارات وارده است؛ کما اینکه تدوین قوانین جدید و یا بازنگری در قوانین موجود در جهت تأسیس بیمه مسئولیت غیر قراردادی وکیل، بمنظور حمایت از وکیل و حفظ حقوق زیان دیده، کارساز می‌باشد.

واژگان کلیدی: مسئولیت مدنی غیر قراردادی، وکیل دادگستری، مطالعه تطبیقی، حقوق ایران

¹ Tout fait quelconque de l'homme, q ui cause à autrui un dommage, oblige celui par la faute duquel il est arrivé à le réparer

مقدمه

امروزه قراردادهای از جمله قرارداد وکالت، در انسجام زندگی افراد، از ضرورت خاصی برخوردارند؛ وکالت دادگستری حرفه‌ای است که هدف از آن احقاق حق موکل بوده و از این جهت وکیل دادگستری امین و حافظ منافع موکل خود محسوب می‌شود. تعریف فقهی مشهور از وکالت، «استنباط فی التصرف» (ابن مکی عاملی (شهید اول)، ۱۳۹۴ ج۱ ج۱ عاملی (شهید ثانی)، ۱۳۹۸) و منظور از آن نایب قرار دادن برای تصرف دیگری در مال خود است. منظور از وکالت آن است که انسان کسی را نایب و جانشین خود در تصرف قرار دهد (همان).

این عقد از جمله عقود جایز است که وکیل باید به‌عنوان جانشین و نماینده موکل، تا هنگامی که عقد باقی است، مفاد آن را رعایت نماید. شاید بتوان گفت اهمیت راستی و درستی در هیچ حرفه‌ای به‌مانند وکالت آشکار نیست. در حقوق ایران وکیل دادگستری نه تنها ملزم به رعایت مقررات عقد وکالت مندرج در قانون مدنی بوده بلکه همچون سایر صاحبان حرفه ملزم به رعایت قوانین خاص و نظامات حرفه‌ای در این خصوص است. در رابطه با اینکه وکیل ملزم به رعایت حقوق موکل باشد، در قوانین شواهدی زیادی وجود دارد؛ ابهامی که در اینجا قابل بحث است، پاسخ دهی به این سؤال است که آیا وکیل از مسئولیت مدنی غیرقراردادی نیز برخوردار است و یا صرفاً دامنۀ مسئولیت وی، به امور قراردادی منحصر می‌گردد. آثاری مربوط به بحث نگاشته شده است، از جمله کتاب «فلسفه مسئولیت مدنی»، نوشته حسن بادینی، انتشارات شرکت سهامی انتشار، سال ۱۳۸۴. «تعهد به آگاه‌سازی موکل و ثالث در حرفه‌ی وکالت دادگستری و مسئولیت مدنی مرتبط با آن در حقوق ایران و آمریکا»، عنوان مقاله‌ای است که بوسیله مهسا پوراحمدی و همکاران، فصلنامه تعالی حقوق، سال سیزدهم، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۱، به رشته تحریر درآمده است. نظر به آثار یاد شده و نظائر آنها، در ارتباط با مسئولیت مدنی غیرقراردادی وکیل دادگستری، اثری یافت نشد، لذا این خلأ پژوهشی آشکار به تحقیق حاضر فرصت می‌دهد تا موضوع مذکور را با مطالعه تطبیقی در سه گفتار مورد بررسی قرار دهد.

۱- گفتار نخست: کلیات و مفاهیم

۱-۱- تعریف مسئولیت غیرقراردادی

مسئولیت مدنی در مفهوم وسیع، گاهی به واسطه‌ی قرارداد برای اشخاص ایجاد می‌شود که به آن الزامات ناشی از عقد یا مسئولیت قراردادی می‌گویند و گاهی بدون اینکه قراردادی بین اشخاص وجود داشته باشد، یک شخص در مقابل شخص دیگر، به موجب قانون مسئولیت پیدا می‌کند و ملزم می‌شود که خساراتی را که وارد کرده است جبران کند (ره پیک، ۱۳۷۶) که به آن الزامات خارج از قرارداد یا مسئولیت غیرقراردادی یا ضمان قهری می‌گویند. تمیز مسئولیت قراردادی از ضمان قهری گاه دشوار است اما مهم‌ترین تفاوت در تمیز مبنای مسئولیت در این نکته خلاصه می‌شود که در مسئولیت قراردادی، اثبات عهدشکنی خوانده‌ی دعوا کافیه است، در حالی که در ضمان قهری به طور معمول باید ثابت شود که مسئول، مرتکب تقصیر شده است (کاتوزیان، ۱۳۸۴). بطور کلی مسئولیت قهری یا غیرقراردادی، وظیفه‌ایست که قانون در اثر فعل یا ترک فعلی به طور مستقیم بر عهده فرد قرار می‌دهد صرف نظر از اینکه مبنای آن با قصد انشاء محقق شده باشد (طاهری، ۱۳۹۵). در اسناد بین المللی، تنها در کتاب ششم از سند DCFR به صورت مفصل به این موضوع و ذیل عنوان «مسئولیت غیرقراردادی ناشی از خسارت وارده به دیگری»^۲ پرداخته شده است. ماده ی

² Non-contractual liability out of damage caused to another

۱:۱۰۱ کتاب ششم از این سند، قاعده ی کلی جبران خسارت غیر قراردادی را بیان نموده است. به موجب بند ۱ این ماده: «شخصی که قانوناً متحمل خسارت شده است، حق دارد از شخصی که عمداً یا از روی سهل انگاری موجب ورود خسارت شده یا به هر دلیل دیگر مسئول خسارت وارده است، تقاضای جبران نماید». در توضیح رسمی این ماده آمده است که بند اول حاوی خلاصه ای از عناصر اساسی مسئولیت غیر قراردادی است و در نظر گرفتن این عناصر در تمامی مواد کتاب ششم این سند الزامی است.^۳ این عناصر در بخش دیگری از توضیحات رسمی این ماده، این چنین برشمرده شده است: ۱) خواهان قانوناً متحمل خسارت شده باشد، ۲) زمینه ی مسئولیت مدعی علیه فراهم باشد و ۳) خسارت وارده، ناشی از فعل یا ترک فعل شخصی باشد که باید به دلیل بی احتیاطی یا عمد در ایجاد منبع خطر پاسخگو باشد.^۴ در حقوق ایران، به عقیده ی برخی از حقوقدانان مبنای مسئولیت مدنی، انتساب اضرار به فاعل فعل ضرری است خواه عمد یا بی احتیاطی و غفلت از سر زده باشد یا خیر. بنابر، این نظریه به محض اینکه فرد، فعلی انجام داد که عملاً نسبت دادن اضرار به او امکان داشته باشد شخص مذکور مسئول خواهد بود حتی اگر عمل او ارادی نباشد، به طور مثال اگر کسی ناگهان دچار صرع شود و مرتکب خسارتی شود، باید جبران خسارت کند. بنا بر، این نظریه، مجنون و صغیر هم دارای مسئولیت هستند. برخی از حقوقدانان این نظریه را یک نوع تئوری ریسک دانسته اند که با معنای محدودتری به کار رفته است. البته چنانچه فعلی با واسطه به شخص مرتبط شود، احراز غفلت یا بی احتیاطی لازم است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۳) به عقیده ی یکی از استادان حقوق، قانون مدنی ایران در باب اتلاف مسئولیت نوعی یا بدون تقصیر را پذیرفته و تقصیر را شرطی برای مسئولیت مقرر نکرده است. طبق ماده ی ۳۲۸ ق.م. «هر کس مال غیر را تلف کند ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد اعم از اینکه از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد و اعم از اینکه عین باشد یا منفعت و اگر آن را ناقص یا معیوب کند ضامن نقص قیمت آن مال است». اما در مورد تسبیب، موضع قانون مدنی ایران دارای ابهام است. ماده ی ۳۳۱ ق.م. که اصلی ترین ماده در این باب است به تقصیر اشاره ای نکرده و مقرر می دارد: «هر کس سبب تلف مالی بشود باید مثل یا قیمت آن را بدهد و اگر سبب نقص یا عیب آن شده باشد باید از عهده نقص قیمت آن برآید». با وجود این، در مواد بعدی (۳۳۳ تا ۳۳۵) کلمه ی تقصیر به کار رفته یا به مفهوم آن اشاره شده است (صفایی، رحیمی، ۱۳۹۷). با توجه به این مواد، بعضی از استادان حقوق بین اتلاف و تسبیب از لحاظ مبنای مسئولیت فرق گذاشته و اظهار نظر کرده اند که در تسبیب برخلاف اتلاف، مسئولیت «مبتنی بر نظریه ی تقصیر است» (امامی، بی تا). اما نظر دیگری که بین حقوقدانان مشهور است، باجمع بین قوانین به دست می آید و با فقه اسلامی تعارض بینی ندارد آن است که ماده ی ۱ ق.م.م.^۵ که مبنای تقصیر را پذیرفته، یک قاعده ی عام است و مسئولیت نوعی یا بدون تقصیر، استثناء و درواقع مخصص این عام است.

۲-۱ مسئولیت حرفه ای

در رابطه با ورود ضرر به ثالث از جانب وکیل، مسئولیت وکیل دادگستری همانند مسئولیت سایر صاحبان مشاغل حرفه ای در زمره ی مسئولیت حرفه ای قرار می گیرد. فلسفه ی مسئولیت حرفه ای آن است که اشخاصی که در راستای حرفه ی خود خدماتی ارائه می دهند ملزم به رعایت دقت و مهارت و مراقبت کافی در انجام وظایف شده چرا که انتظاری که از آنها می رود فراتر از انتظاری است که جامعه از شخصی عادی دارد، به همین جهت است که معیار تقصیر آنها در این موارد تقصیر حرفه ای است و «باید رفتار آنها با رفتار متعارف یک شخص متخصص در آن حرفه و شغل مقایسه شود» (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۲)

³ Art VI-1:101 DCFR, Comment A.

⁴ Art VI-1:101 DCFR, Comment B.

⁵ ماده ۱ ق.م.م. مصوب ۱۳۳۹: «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتی یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده، لطمه ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می باشد.

۳-۱ مسئولیت قراردادی وکیل

مطابق ماده ۱۹ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری و ماده ۱۰ قانون مدنی و ماده ۲ آیین نامه تعرفه حق الوکاله، حق-المشاوره و هزینه سفر وکلای دادگستری مصوب ۱۳۹۸/۱۲/۲۸ موارد ذیل تابع آیین نامه می باشد.

(۱) با توجه به این که نتیجه اقدام به موضوع وکالت از سوی وکلای دادگستری قابل تضمین نیست وکیل تعهدی مبنی بر حصول نتیجه موردنظر موکل ندارد و هر شرط که خلاف مفاد این شرط باشد فاقد اعتبار و آثار حقوقی است.

(۲) با توجه به این که تعیین اوقات با مرجع رسیدگی کننده می باشد و مدت رسیدگی خارج از اختیار وکیل است وکیل تعهدی در خصوص کاهش یا افزایش مدت رسیدگی و صدور رأی و اجرا ندارد و هر شرط که خلاف مفاد این شرط باشد فاقد اعتبار و آثار قانونی است.

(۳) وکیل فاقد قدرت و اختیارات فرا قانونی و همچنین فاقد امکان اعمال نفوذ من غیر حق و غیرقانونی نزد تمامی مراجع مرتبط با موضوع وکالت می باشد و صرفاً به طرق قانونی نسبت به انجام موضوع وکالت و دفاع از حقوق موکل اقدام خواهد کرد و موکل با آگاهی از این موضوع اعلام می دارد که مقصود وی از امضای این وکالتنامه و قرارداد توسل وکیل به هیچ یک از روش های غیرقانونی نیست.

(۴) اثر و عواقب عدم پیشرفت کار به موکل یادآوری و موکل با اطلاع از آن حاضر به امضای این قرارداد شد.

(۵) صحت و اصالت اسنادی که موکل جهت انجام موضوع وکالت در اختیار وکیل قرار داده با ممکن است در آینده قرار بدهد مورد تایید موکل است و پیشرفت احتمالی کار موکل منوط به آن است که استاد مثبت ادعای وی اصیل و اظهارات او مقرون به صحت باشد.

(۶) این قرارداد و حق الوکاله تعیین شده در آن صرفاً مختص به انجام موضوع وکالت به شرحی است که در قسمت موضوع وکالت درج شده است.

(۷) معرفی و حاضر نمودن شهود و با مطلعین احتمالی بر عهده موکل است.

(۸) با توجه به دسترسی موکل به سامانه قرارداد الکترونیک و امکان دریافت وکالتنامه و قرارداد درج امضای الکترونیک از سوی موکل به منزله دریافت نسخه ای از وکالتنامه و قرارداد است.

(۹) ابلاغ هرگونه مکاتبه به نشانی طرفین مندرج در این قرارداد که از سامانه ثنا اخذ گردیده معتم است و طرفین در صورت تغییر نشانی باید نشانی جدید را به یکدیگر اطلاع داده و بر اساس ماده ۱۲ آیین نامه نحوه استفاده از سامانه های رایانه ای و مخابراتی نسبت به تغییر در سامانه ثنا اقدام نمایند. معاد این بند ناف اعتبار ابلاغ از طریق سامانه ابلاغ الکترونیک قضایی در روابط طرفین نیست.

(۱۰) نشانی طرف دعوا به شرح مندرج در وکالتنامه از سوی موکل اعلام شده و چنان چه نشانی اعلامی شناخته نشود یا طرف در نشانی اعلامی شناسایی شود و موکل بتواند نشانی دیگری را به وکیل اعلام کند و یا اطلاعات که ملی / شناسه ملی طرف دعوا در اختیار موکل نباشد که امکان استخراج اطلاعات وی توسط سامانه وکالتنامه و قرارداد الکترونیک وکالت فراهم گردد، وکیل می تواند طرف را مجهول المکان به مرجع رسیدگی معرفی کند و در این خصوص مسئولیتی نخواهد داشت.

(۱۱) هر گونه اقدام از سوی وکیل منوط به پرداخت مبلغ مقرر در قسط مقدم این قرارداد به انضمام هزینه های قانونی است.

۱۲) در هر مورد که واریز حق الوکاله به حساب وکیل از طریق تراکنش بانکی انجام شود رسید فیزیکی یا الکترونیکی تراکنش به منزله رسید دریافت صادره از سوی وکیل است وکیل موظف است نسبت به ثبت اطلاعات دریافتی‌های خود در سامانه وکالت‌نامه و قرارداد الکترونیک وکالت اقدام نماید.

۱۳) همزمان با تنظیم این قرارداد اصول استاد موکل از سوی وکیل رویت و از آنها رونوشت و با تصویر (کپی) تهیه و سپس به موکل بازگردانده شد و ضمناً به موکل یادآوری شد که می‌بایست اصول اسناد را هر زمان در جریان کار حسب درخواست وکیل جهت ارایه به مرجع رسیدگی در اختیار وکیل قرار دهد.

۱۴) چنانچه در جریان کار با پس از آن، ضرورت ایجاب نماید که شکایت یا دعوی دیگری طرح و یا دعوی تقابل مطرح و یا ثالثی جلب شود و یا شکایت یا دعوی متقابل توسط طرف دعوی و یا دعوی ورود ثالث علیه موکل مطرح شود (حتی اگر در وکالت‌نامه صدرالذکر نیز اختیارات مذکور درج شده باشد) تا حصول توافق جداگانه وکیل تعهدی به اقدام نخواهد داشت و در خصوص تقاضای صدور برگ اجرایی و تعقیب عملیات اجرایی پرونده موضوع وکالت و فرجام‌خواهی و درخواست اعاده دادرسی نیز همین حکم جاری است حتی اگر در وکالت‌نامه به‌عنوان اختیار وکیل درج شده باشد.

۱۵) پس از اولین اقدام وکیل نسبت به موضوع وکالت و همچنین در جریان کار مبالغ پرداختی به وکیل قابل استرداد نخواهد بود.

۱۶) چنانچه موکل از پرداخت هر یک از اقساط حق الوکاله در موعد یا مواعد مقرر در این قرارداد تاخیر یا خودداری نماید و یا هر یک از چک‌های تسلیم شده به وکیل بلامحل باشد وکیل می‌تواند با رعایت موازین قانونی از وکالت موکل استعفا نماید و در این صورت موکل حقی نسبت به وجوه پرداخت شده قبلی بابت حق الوکاله ندارد.

۱۷) در صورتی که در جریان رسیدگی در هر یک از مراحل دعوی یا پس از صدور رأی قطعی موضوع با دخالت وکیل به هر نحو اعم از تنظیم سازش‌نامه و صدور گزارش اصلاحی یا استرداد دعوا یا دادخواست با اعلام گذشت یا با رای داور با رضایت و غیره به سازش خاتمه یابد، مستند به ماده ۲۳ آیین‌نامه تعرفه حق الوکاله، حق‌المشاوره و هزینه سفر وکلای دادگستری مصوب ۱۳۹۸/۱۲/۲۸ حق الوکاله به طور کامل باید به وکیل پرداخت شود و چنانچه وکیل قبل از تقدیم دادخواست با طرح شکایت کیفری با دفاع در قبال پرونده متشکله علیه موکل موفق به حل و فصل موضوع از طریق غیرترافعی گردد در این صورت کل حق الوکاله مقرر در این قرارداد باید به وکیل پرداخت گردد.

۱۸) نظر به ماده ۳۰ آیین‌نامه تعرفه حق الوکاله، حق‌المشاوره و هزینه سفر وکلای دادگستری مصوب ۱۳۹۸/۱۲/۲۸ پرداخت حق الوکاله و هزینه‌های دادرسی و دستمزد کارشناس و حق‌الزحمه داور و هزینه نشر آگهی و هزینه سفر وکیل (با هواپیما) و سایر مخارج قانونی مربوط به دعوا بر عهده موکل است. موکل می‌بایست قبل از انجام، محل تامین هزینه‌های مذکور را نزد وکیل تامین کرده یا ترتیب پرداخت آن را بدهد و هزینه‌هایی که موکل تحت این عناوین متحمل می‌شود ممکن است از طرف قابل وصول نباشد.

۱۹) چنانچه حسب اعلام وکیل به هر نحو اعم از شفاهی یا از طریق تماس تلفنی یا با ارسال پیامک یا با ارسال اظهارنامه در مهلت‌های مقرر قانونی، هزینه‌های قانونی از سوی موکل پرداخت نشود و در اثر این قصور خسارتی متوجه موکل گردد مسئولیت آن به عهده موکل خواهد بود.

۲۰) چنانچه پس از اقدام وکالتی از سوی وکیل، موکل در هر یک از مراحل رسیدگی وکیل را عزل نماید وکیل استحقاق دریافت تمام حق الوکاله را به‌طور کامل دارد.

نظر به مطالب مذکور، مسئولیت غیرقراردادی وکیل در خارج از موارد مذکور مصداق پیدا می‌کند؛ مثل جایی که وکیل موجب تضرر به شخص ثالث گردد که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲- گفتار دوم: مسئولیت قهری

۲-۱- مسئولیت وکیل در برابر ثالث

۱-۱- اصل عدم مسئولیت

عقد وکالت، بین دوطرف موکل و وکیل منعقد می شود لذا هر فرد دیگری نسبت به عقد وکالت، بیگانه ثالث (بیگانه) است، بنابراین، این پرسش مطرح می شود که آیا طرفین عقد در مقابل ثالث مسئولیت دارند؟ در فقه چنانچه وکیلی در زمان خرید برای موکلش به ثالث که در این فرض فروشنده است اطلاع بدهد که برای موکل خرید میکند برخی از فقها معتقدند که هر دو طرف وکیل و موکل جهت پرداخت ثمن در مقابل ثالث مسئولیت می یابند (کیدری، ۱۴۱۶) ماده ۲۳۱ قانون مدنی عقود را تنها در خصوص طرفین عقد و قائم مقام ایشان مؤثر دانسته و تعهد به نفع ثالث را به عنوان استثنائی بر این اصل بیان نموده است. اگرچه آثار عقد و به طور خاص الزام آور بودن تعهدات ناشی از آن محدود به طرفین معامله بوده، استناد به عقد از جانب شخصی غیر از متعاملین امکانپذیر است. برای مثال در فرضی که خسارات وارد آمده بر ثالث ناشی از نقض تعهدات قراردادی میان متعاملین باشد ثالث میتواند با استناد به قرارداد وجود تقصیر را ثابت نماید با این حال مسئولیت واردکننده ی زیان در برابر ثالث مسئولیتی غیرقراردادی خواهد بود (کاتوزیان، ۱۳۸۷). ماده ۱۱۹۹^۶ قانون مدنی فرانسه نیز بیان میدارد عقد فقط نسبت به طرفین آن تعهد ایجاد میکند جز در حدود مقررات اشخاص ثالث، نه می توانند تقاضای اجرای قرارداد را نمایند و نه ملزم به اجرای آن می شوند. وکیل نیز نیابت در انعقاد عقد دارد و یکی از طرفین عقد محسوب نمیشود بنابراین در مقابل عهدهشکنی یا نقض در اجرای تعهدات موکل، مسئول نیست، از این رو در پرونده ای که وکیل شرکت مباحثه نامه ای تنظیم کرده و پول از طرف خریدار به حساب شرکت واریز شده ولی شرکت از انجام تعهد تخلف ورزیده است، طبق نظر شعبه اول مدنی دیوان عالی کشور فرانسه در ۱۴ نوامبر ۱۹۷۸ وکیل شرکت، مسئولیتی ندارد. در پرونده دیگری وکیل موسسه جهت سفر بازیکنان و کادروزشی بلیط هواپیما تهیه کرده ، طبق نظر شعبه اول مدنی دیوان عالی فرانسه در ۴ مارس ۱۹۸۶ تعهد به پرداخت هزینه بلیطها بر عهده موسسه است . البته مسئولیت نداشتن وکیل در برابر ثالث، اصل است. بنابراین حقوقدانان فرانسوی در موارد استثنایی، قائل به مسئولیت داشتن وکیل در مقابل اشخاص ثالث هستند. (Bertolaso, 1999)

⁶ Le contrat ne crée d'obligations qu'entre les parties.

Les tiers ne peuvent ni demander l'exécution du contrat ni se voir contraints de l'exécuter, sous réserve des dispositions de la présente section et de celles du chapitre III du titre IV

۴-۲-۱-۲ اطلاع دادرسی

در نظام حقوقی آمریکا یکی از مواردی که وکیل مسئولیت می یابد عبارت است از هرگونه رفتاری اعم از طرح دعوا یا نحوه دفاع به صورتیکه منجر به اطلاع دادرسی شود، در این موارد وکیل مکلف به جبران خسارت و حق الوکاله ثالث خواهد شد چنانکه بخش ۱۹۲۷ مجموعه قوانین ایالات متحده آمریکا مصوب ۲۰۱۲ بیان می دارد «هر وکیلی که وکالت پرونده ای را میپذیرد و بطور غیر معقول و آزار دهنده ای جریان دادرسی را طولانی کند ممکن است از سوی دادگاه به پرداخت هزینه های اضافی خسارت و حق الوکاله وکیل طرف مقابل محکوم گردد. البته ماده ۱۱ قانون فدرال در رابطه با آئین دادرسی مدنی پس از تحولات بسیار برای این امر یک معیار، عینی پیش بینی نموده است که عبارتست از رفتار توأم با تقصیر (Salyzyn 1990) هرگاه وکیل دادگستری رأساً یا با اطلاع موکل، صرفاً برای ورود ضرر به ثالث یا طرف دعوی اقامه نماید خواه برای اتلاف وقت، مساعدت نادرست و غیره باشد در این صورت حسب ماده ۱ ق مسئولیت مدنی شخص زیان دیده، می تواند از وکیل مطالبه خسارت نماید و در صورتی که کار وکیل با اطلاع موکل باشد، او هم مسئول است.

۵-۲-۱-۲ خروج از حدود اختیارات

گاهی ثالث از محدوده اختیارات وکیل اطلاعی ندارد. در موردی که وکیل از محدوده اختیاراتی که عقد وکالت به وی داده فراتر می رود، در واقع در مورد محدوده اختیارات خود، اطلاعات اشتباه به شخص ثالث می دهد. در این موارد، وکیل سبب می شود که طرف مقابل در مورد محدوده اختیارات وکیل به اشتباه افتد و تصور کند که وکیل به عنوان نماینده اقداماتی انجام می دهد و این نوعی تقصیر از سوی وکیل است که سبب پندار اشتباه ثالث شده که در رأی شعبه مدنی دیوان عالی فرانسه در ۳ می ۱۹۵۵ به آن اشاره شده. این تقصیر، سبب خسارت ثالث شده و وکیل مسئول است. (Bertolaso, 1999)

در دعوی سرپرستی فرزندان مشترک در انگلستان فیما بین زوجین گذرنامه زوج به وکیل وی سپرده شد تا وی آنرا تا زمان حکم دادگاه نزد خود نگهداری نماید اما در نهایت زوج به گذرنامه ای که نزد وکیلش بوده دسترسی پیدا نموده و فرزندان مشترک را از کشور انگلستان خارج می نماید، سپس زوجه به سبب خیانت وکیل در خصوص گذرنامه علیه وکیل زوج طرح دعوی نموده و دادگاه بعد از رسیدگی با این استدلال که وکیل از حدود اذن وکالت خارج شده است وکیل زوج را به پرداخت مبالغه خسارات مادی و معنوی محکوم نموده است. در این قضیه زوجه با اعتماد به رسالت و تعهد وکیل، خود را از هر نوع اقدام قضایی برای جلوگیری از خروج زوج و فرزندان از کشور انگلستان بی نیاز دانسته است، و نقض همین تعهد توسط وکیل برای انجام اقدامات قضایی جهت پیروزی زوجه در دعوی کافی بوده است.

۳- گفتار سوم: شرایط عام تحقق مسئولیت غیر قراردادی وکیل دادگستری در برابر شخص ثالث

در حقوق ایران و نیز انگلیس، مسئولیت مدنی قهری منوط به وجود یک تعهد و الزام است که مصنوع قانون، عرف و آداب و رسوم بوده و ارادی نمی‌باشد و از قبل بر افراد تحمیل شده که این امر در حقوق انگلیس تحت عنوان وظیفه مراقبت و در حقوق ایران به عنوان تکالیف قانونی بحث شده است. برای وکیل دادگستری همانند سایر اشخاص، مسئولیت مدنی در مقابل ضرری که به دیگری وارد می‌نماید، متصور است. برای تحقق مسئولیت مدنی اعم از قهری و قراردادی، شرایطی لازم است. ورود ضرر، فعل زیانبار و رابطه سببیت میان آن دو، شرایط عام و مشترک در مسئولیت مدنی می‌باشد. متضرر از فعل زیانبار، در شرایطی می‌تواند دعوی مطالبه خسارت علیه وارد کننده زیان را مطرح نماید که بتواند رابطه سببیت میان آن دو را ثابت نماید و یا به عبارتی دیگر شخص زمانی مسئولیت مدنی می‌یابد که با انجام فعلی زیان‌بار موجب ورود ضرر به دیگری شده و مهم‌تر اینکه بین عمل مرتکب و زیان وارده رابطه علیت یا سببیت وجود داشته باشد. در واقع این سه شرط هم در مسئولیت قراردادی و هم قهری از ارکان مسئولیت می‌باشند. در ادامه به بررسی این سه شرط خواهیم پرداخت.

۱-۳ ورود ضرر

ورود ضرر یکی از ارکان و شرایط اساسی مسئولیت مدنی است زیرا موضوع مسئولیت مدنی جبران ضرر ناروا است و تا زمانی که ضرری محقق نشود موضوعی برای جبران وجود ندارد و در نتیجه مسئولیت مدنی سالبه به انتفاء موضوع است (ابراهیمی، ۱۳۹۷).

در قانون مدنی ایران، در هیچ ماده‌ای از وجود ضرر و خسارت به عنوان رکن اصلی مسئولیت مدنی نامی به میان نیامده است. اما در مواد ۲۲۱-۲۲۶-۲۲۷ همین قانون، کلمه «خسارت» بکار رفته است و این سکوت قانون را باید دلیلی بر بدها آن دانست زیرا کسی که زیانی به وی وارد نشده حقی بر طرف مقابل پیدا نمی‌کند.

در ماده ۵۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۷۹، پذیرش دعوای مطالبه خسارت، در صورتیست که مدعی خسارت ثابت کند ضرری به او وارد شده است. ماده یک قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹ نیز بیان می‌کند: «هرکس بدون مجوز قانونی... لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگر شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد».

تکلیف به عدم اضرار، منحصر به روابط قراردادی طرفین نمی‌باشد و تحت تأثیر قاعده حرمت حقوق مردم، به عنوان یک تکلیف قانونی به تمام شهروندان بارشده است (داراب پور، ۱۳۹۶). از همین رو تقصیر از جهتی به نقض تعهد از قبل موجود تعریف شده که یکی از این تعهدات از قبل موجود، تکلیف به عدم اضرار به غیر و حسن انجام تعهد است که در چهارچوب قواعد حاکم بر مسئولیت قهری قابل طرح است. برای مثال دلال علی‌رغم داشتن رابطه قراردادی با یکی از طرفین قرارداد، نسبت به طرف دیگر (ثالث) نیز متعهد به رعایت صحت و صداقت بوده و در برابر تقلب (عمد) و نیز تقصیر که اعم از عمد و غیرعمد است، نسبت به ثالث دارای مسئولیت می‌باشد. این در حالی است که دلال، حق دلالی را صرفاً از طرفی که با وی رابطه قراردادی دارد، دریافت می‌کند و باوجود عدم دریافت مبلغی از طرف دیگر، دارای تعهد ضمنی برای حفظ منافع وی است چراکه عدم دریافت مبلغ از ثالث، مجوزی برای رعایت منافع انحصاری طرف قرارداد و وارد کردن ضرر به ثالث نمی‌باشد و این امر با هدف قواعد مسئولیت مدنی منافات دارد؛ بنابراین ماده ۳۳۷ قانون تجارت که وظیفه مراقبت متعهد قراردادی نسبت به ثالث را پیش‌بینی نموده، می‌تواند مبین رویکرد قانونگذار در مسئولیت متعهد سهل‌انگار در برابر ثالث باشد. بند ۳ بند الف ماده ۲۶ قانون کارشناسان رسمی نیز مبین رویکرد است که مصداقی از ضرر اقتصادی ناشی از خدمات و اطلاعات حرفه‌ای بوده و مثال آن کارشناس مالی است که ارزش سهام و دارایی شرکت را به مراتب بیش از ارزش واقعی برآورد می‌کند، در نتیجه افراد، سهام شرکت را به قیمتی بالاتر از قیمت عادلانه خریداری می‌کنند. نمونه دیگر ماده ۶ ق.م.م است که مصداقی از ضرر رابطه‌ای محسوب می‌گردد. بدین شرح که وقوع فعل زیان‌بار نسبت به آسیب‌دیده و فوت وی به عنوان زیان‌دیده اصلی، سبب محرومیت نفقه‌گیران از فرصت رسیدن به نفعی در آینده به عنوان قربانی ثانویه می‌گردد. مضاف بر مصادیق مصرح قانونی، نمونه‌های حادث در رویه قضایی غیرمحصور هستند. از جمله در مثال پیمانکار که در مقدمه ذکر شد، ضرر وارده به خریدار ناشی از کاهش ارزش مبیع، مصداقی از ضرر اقتصادی رابطه‌ای است که بین

زیان‌دیده اصلی و قربانی ثانویه، رابطه قراردادی وجود دارد و برای پیمانکار به جهت وجود تعهد ایمنی نسبت به ثالث، مسئولیت قهری ایجاد می‌شود؛ لذا به رغم آنکه در حقوق ایران، قاعده کلی که به ثالث اجازه دهد به علت نقض قرارداد، علیه متعهد اقامه دعوا نماید، پیش‌بینی نشده است ولی در بسیاری از موارد، تمایل به پذیرش مسئولیت متعهد در مقابل ثالثی که نقض قرارداد مستقیماً منجر به ورود ضرر به وی شده، منعکس‌کننده هدفی است که در مسئولیت مدنی به نظر منصفانه بوده و علاوه بر آن به لحاظ نظری مورد حمایت «اصل قابل استناد بودن قرارداد» است که با توجه به آثار قراردادهای نسبت به ثالث، نقض عمدی یا مقصرانه تعهد قراردادی از سوی یکی از متعاقدين، می‌تواند منجر به ورود ضرر به ثالث شود و متعادل‌ترین راه‌حل، اصولاً اعطای حق اقامه دعوا به ثالث برای جبران ضرر بر مبنای قواعد مسئولیت قهری است.

تمامی مثالهای یاد شده، می‌رساند که ورود ضرر به ثالث از مسئولیت غیرقراردادی برخوردار است و در رابطه با ورود ضرر به شخص ثالث از ناحیه وکیل نیز قابل تصور است. در حقوق انگلیس، مثال اصلی در مانحن فیه، دعوی «وایت علیه جونز» است که وکیلی در تنظیم وصیت‌نامه خواسته‌شده سهل‌انگاری می‌کند. پس از فوت موصی، ذینفعان مورد نظر که در صورت تنظیم صحیح، از وصیت‌نامه بهره‌مند می‌شدند، به جهت محروم شدن از موصی به دچار ضرر اقتصادی گردیدند (Peel, 2020; Parisi, 2007; Burrows, 2016).

در حقوق انگلیس، جبران ضرر اقتصادی محض جز در موارد عمل زیان‌بار عامدانه، موکول به وجود تکلیف مراقبت نسبت به خواهان و نقض آن از سوی خوانده است. وظیفه مراقبت، تاسیس خاص حقوق کاملاً است. تکلیف مراقبت رابطه‌ای حقوقی در به کارگیری احتیاطی متعارف برای اجتناب از ورود خسارت به دیگران است. (Herstein, 2010)

تصمیم‌گیری پیرامون وجود یا عدم وجود تکلیف مراقبت، وابسته به سیاست‌گذاری نظام حقوقی است و قضات، عموماً تمایلی به پذیرش آن ندارند به‌گونه‌ای که یکی از قضات در پرونده‌ای بیان نمود: «میزان گستردگی قلمروی تکلیف مراقبت در بی‌احتیاطی، می‌بایست بر اساس ارزیابی دادگاه از مقتضیات اجتماعی برای جلوگیری از بی‌دقتی دیگران تعیین شود» (Bermingham, 2014). به واسطه همین سیاست قضایی است که از بی‌احتیاطی، مفهومی بسیار منعطف به دست می‌آید.

یکی از دلایل اصلی نقل شده برای عدم پذیرش مسئولیت متعهد سهل‌انگار، اظهارات یک قاضی آمریکایی است مبنی بر اینکه حسابداران نباید توسط ثالث به دلیل ممیزی سهل‌انگارانه، مسئول قلمداد شوند، زیرا خوانده در معرض تعهدی به میزان نامشخص، برای مدت نامشخص نسبت به گروهی نامشخص قرار می‌گیرد، در حالی که خوانده در مقابل زیان‌دیده ثالث، تکلیف مراقبت نداشته تا نسبت به وی مقصر باشد و ورود خسارت به او غیرقابل پیش‌بینی است. البته منظور وی از محدودیت و منع، مسئولیت ناشی از سهل‌انگاری به طور کلی بود؛ بدین نحو که دادگاه‌ها هنگام پذیرش یک ادعا، صرف نظر از اینکه موضوع، ضرر اقتصادی باشد یا صدمه بدنی، باید طیف وسیعی از عواقب احتمالی آن تصمیم را در نظر بگیرند و در صورت عدم قابلیت تعیین دامنه مسئولیت، ادعا را رد کنند (Parisi, 2007; Van Boom, 2004). در مقابل در حقوق ایران، صرف گستردگی یک واقعه زیان‌بار، به خودی خود، فقدان مسئولیت را توجیه نمی‌کند چراکه عدم لزوم پیش‌بینی میزان ضرر حتی توسط قائلین به معیار قابلیت پیش‌بینی، مورد پذیرش واقع شده است؛ بدین استدلال که اثبات خارجی بودن حادثه و استثنائی بودن آن تقصیر را زایل نمی‌کند، بلکه با قطع رابطه سببیت عرفی، موجب معافیت از مسئولیت می‌شود و در چنین اوضاعی، ضرر به عامل آن منسوب نیست. در حالی که اهمیت و استثنائی بودن میزان ضرر، نه تنها چنین رابطه‌ای را قطع نمی‌کند بلکه در قلمروی ضمان مرتکب نیز اثر ندارد (یزدانیان، ۱۳۹۵؛ کاتوزیان، ۱۳۹۲). مضاف بر ماهیت و میزان ضرر، پیش‌بینی زیان‌دیده نیز از جمله شرایط تحقق مسئولیت مدنی قلمداد نمی‌شود، چراکه همه افراد مکلف به رعایت وظایف و مقرراتی در جامعه نسبت به یکدیگر، فراتر از طرفین روابط قراردادی هستند که یکی از این وظایف، آن است که هیچ‌کس نباید سبب اضرار دیگری شود. از همین رو در مثال حسابرس سهل‌انگار، به فرض تعدد خواهان، صرف ترس از سیلاب ادعاها، رافع مسئولیت خاطمی نمی‌باشد و ادعای هر یک از خواهان‌ها، اقتضای بررسی ارکان و شرایط مسئولیت مدنی به طور علی‌حده را دارد.

۲-۳ فعل زیانبار

ضرر دارای اقسامی اعم از: ضرر مادی، معنوی و بدنی می‌باشد، همچنین، مسلم و مستقیم بودن، قابل پیش‌بینی بودن و اینکه جبران نشده باشد از شرایط ضرر به شمار می‌رود (انصافداران، ۱۳۹۶).

هر ضرری که بر شخصی وارد می‌آید و موجب مسئولیت مدنی یا ضمان ضرر زننده می‌شود از فعل یا عملی ناشی می‌گردد و لازم نیست که عملی که موجب ضرر شده، عمل مادی باشد بلکه می‌تواند حرف، ترک فعل، تهدید و اکراه، فریب دادن و به اشتباه انداختن باشد. مسئولیت مدنی بدون فعل محقق نمی‌شود.

به عبارت دیگر، در مسئولیت مدنی چنانچه مبتنی بر تقصیر باشد یا بر مبنای خطر، شرط تحقق در آن فعل زیان‌آور است منتها در مسئولیت مبتنی بر تقصیر این فعل لازم است که تقصیر محسوب شود. در نظام حقوقی ایران، مبنای اصلی مسئولیت مدنی نظریه تقصیر است، بنابراین بر طبق آن، فعل زیانبار باید تقصیر محسوب شود تا شخص مسئول شناخته شود. برخی از استادان حقوق ایران علاوه بر این معتقدند که فعل زیان‌بار لازم است نامشروع هم باشد در واقع ایشان معتقدند که این تعبیر در صورتی درست است که تقصیر منبع منحصر مسئولیت باشد (باریکلو، ۱۳۹۷).

نظر به اینکه در قوانین و مقررات مربوط به مسئولیت مدنی، صریحاً نامشروع بودن فعل زیان‌بار به عنوان شرط مسئولیت نیامده است وانگهی می‌توان گفت نامشروع بودن در مفهوم تقصیر مستتر است و عنوان علل موجه یعنی رافع تقصیر راساً به نظر می‌رسد.

در تعریفی که از ماده یک قانون مسئولیت مدنی می‌توان برداشت کرد آن است که، «تقصیر عبارت است از وارد ساختن خسارت به جان، مال، سلامتی، آزادی، حیثیت یا شهرت تجاری یا هر حق دیگری در اثر اقدام عمدی یا در نتیجه بی‌احتیاطی است، مشروط بر این که اقدام انجام شده، غیرقانونی باشد.» تعریف ماده یک با تعریف مرسوم تقصیر نیز هماهنگی دارد.

در تعریف مرسوم، تقصیر «کاری است نامشروع که قابل انتساب به مرتکب باشد.»

بنابر تعاریف قانون و مرسوم تقصیر تنها در صورتی محقق می‌شود که فعل یا ترک فعل ارتكابی «غیرقانونی» باشد. اگر این لفظ به طور مضیق تفسیر گردد، در آن صورت «فعل نامشروع» داخل در بحث نخواهد بود واضح است که این تعبیر را نمی‌توان صحیح محسوب داشت. پس باید پذیرفت که اگر شخصی با مجوز «شرعی» به دیگری خسارت وارد کند، حتی اگر قانون پشتیبان این وضعیت نباشد، باز هم بری از مسئولیت خواهد بود (حجتی، ۱۳۹۳).

در خصوص وکیل دادگستری نیز، فعل زیانبار می‌تواند تقصیر باشد و او را در مقابل سایر اشخاص حقیقی یا حقوقی مسئول جلوه دهد. تقصیر از نظامات قانون وکلا، در شرایطی علاوه بر تخلف انتظامی وکیل می‌تواند موجب مسئولیت مدنی وی در مقابل قانون وکلا گردد. در واقع در دعاوی مربوط به وکلا، پزشکان و دیگر اشخاصی که آموزش‌ها یا اطلاعات تخصصی دارند، رفتار استاندارد براساس رفتار معقول اشخاصی که در این رشته‌ها و تخصص مهارت دارند مد نظر قرار می‌گیرد. خطای صاحبان مشاغل در اجرای کاری که حرفه آنان است، تقصیر شغلی محسوب می‌گردد.

۳-۳ شرط رابطه سببیت

برای تحقق مسئولیت مدنی، باید رابطه سببیت یا علیت بین خسارت وارده و تقصیر یا فعل زیان‌بار وجود داشته باشد و صرف وجود خسارت و تقصیر با فعل زیان‌بار کافی نیست (ابراهیمی، ۱۳۹۷). عبارات مختلف قانونی به ویژه «... مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد» در ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مفید همین معناست. پس زیان یده برای مطالبه خسارت باید اثبات کند که رابطه سببیت بین خسارت وارده و عمل وکیل وجود داشته است. در واقع می‌توان گفت با اثبات این مسأله که ضرر وارده در اثر عمل فاعل زیان یعنی وکیل به وجود آمده می‌توان الزام وی را به جبران خسارت خواستار شد و تنها مسأله‌ای که می‌تواند مانع از این

ضمان گردد، اثبات فقدان رابطه سببیت بین فعل زیان زننده و ضرر وارده است که آن هم ادعایی است که باید از طرف وکیل ثابت گردد.

در برخی نظام‌های حقوقی، مفهوم رابطه سببیت را با «شرط لازم» یکسان می‌دانند و می‌گویند سبب عملی است که، اگر انجام نمی‌شد ضررهم به بار نمی‌آمد. این نشانه گمراه کننده و موجب عدم تمیز شرط و سبب واقعی و متعارف است. وجود شرط ملازمه با ورود ضرر ندارد، در حالی که این ملازمه میان سبب و ضرر وجود دارد. بنابراین بهتر است برای فهم رابطه سببیت به زبان روزمره و عرف عام مراجعه نمود. رابطه سببیت که از شرایط تحقق هر دو نوع مسئولیت قهری و قراردادی می‌باشد باید توسط زیان دیده به اثبات برسد و این قاعده‌ی کلی است اما گاهی با معاف شدن خواهان از اثبات آن تخصیص می‌خورد. این مورد استثناء فرض سببیت می‌باشد و جایگاه آن در دو زمینه می‌باشد. مواردی که تقصیر در آنها مفروض است و مواردی که اثبات رابطه سببیت به دلیل شرایط خاص بسیار دشوار است و از این رو وجود فرض سببیت در آنها توجیه دارد (نادری، ۱۳۹۴).

در نظریه قابلیت استناد، عامل توجیه کننده مسئولیت قابلیت استناد زیان به عامل آن است. براساس این نظریه، هرگاه زیانی به بار می‌آید باید به دنبال دلیل این بود که عرف این زیان را مستند به چه کسی می‌داند. این نظریه می‌تواند به عنوان مبنای مسئولیت مدنی در مسئولیت قراردادی و قهری وکیل و غیر آن مورد استفاده قرار گیرد، ولی ضمان ناشی از علی الید (غاصب) از شمول این نظریه خارج است (میرزایی، ۱۳۹۴).

بنابراین تقصیر، رابطه سببیت و قابلیت استناد مفاهیم مستقل از هم دارند و تقصیر تنها وسیله‌ای برای تسهیل تشخیص رابطه سببیت است و نباید مفهوم رابطه سببیت و مسئولیت و مفهوم تقصیر با هم خلط گردد.

در مقابل سایر اشخاص که بین آنها و وکیل قراردادی وجود ندارد، چنانچه با عمل وکیل، ضرری به آنها وارد شود، در صورت وجود رابطه سببیت عرفی میان عمل وکیل و ضرر وارد شده، وکیل دادگستری در مقابل آنها مسئولیت قهری می‌یابد و ملزم به جبران خسارت خواهد بود. این مطلب از مواد ۶۶۶ و ۶۳۹ قانون مدنی، نیز مستفاد می‌گردد. در مواد مذکور، هر چند که وجود سببیت عرفی شرط مسئولیت وکیل در قبال موکل و مالک در قبال متصرف مال دانسته شده است، اما از آنجایی که شرایط یاد شده، اعم از ورود ضرر، فعل زیانبار و رابطه سببیت، در جهت اثبات مسئولیت قراردادی و غیرقراردادی وکیل مورد استفاده قرار می‌گیرد، لذا بر مانحن فیه نیز قابل انطباق است.

در حقوق آمریکا، سه فکر کلیدی برجسته، پایه‌ی تمام قواعد و رویه‌های مربوط به مسئولیت مدنی و جبران خسارت است؛ ۱- اصل تقصیر^۷، ۲- اصل مسئولیت محض (مطلق)^۸ و ۳- اصل رفاه و خیر^۹. در مجموع، هر یک از این اصول کلیدی جبران خسارت، در چهره‌ی مثبت خود قابل اجرا است؛ بدین معنی که با جمع شدن شرایط آن، خسارت جبران می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۷۷). به‌طور کلی در نظام حقوقی آمریکا جبران خسارت به‌عنوان پایه و مبنای مسئولیت مدنی به شمار می‌رود؛ به طوری که اصول حاکم بر جبران خسارت در نظام حقوقی آمریکا نشان از آن دارد که در این کشور و نظام حقوقی، اصل جبران کامل خسارت به‌عنوان یک مسئله‌ی مهم در حقوق قراردادی و غیر قراردادی مورد توجه قرار گرفته است. لذا از آنجا که حقوق آمریکا برگرفته از یک نظام کامن‌لا می‌باشد، در آن به وضعیت خاص هر پرونده جهت انتساب مسئولیت مدنی توجه بیشتری می‌گردد (عامری، و دیگران، ۱۳۹۷).

⁷ - Fault Principle.

⁸ - Strict Liability Principle.

⁹ - Welfare Principle.

نتیجه گیری

گسترش دامنه مسئولیت وکیل و شناسایی تکلیف وکیل در برابر ثالث منجر به کاهش خسارت ها و آسیبهای ناشی از دادرسی همانند اطلاع دادرسی می شود زیرا وکیل میتواند با مهارت خود و رفتار حرفه ای از بسیاری از آسیبها مثل اطلاع دادرسی جلوگیری کند. بنابراین افزودن برمسئولیت وکیل باعث می شود وکلا دقت بیشتری به کار برده و این امر منجر به بالا رفتن درجه احتیاط حرفه ای و درنهایت به نفع دادرسی عادلانه خواهد بود. در حقوق ایران و نیز انگلیس، مسئولیت مدنی غیرقراردادی وکیل منوط به وجود یک تعهد و الزام است که مصنوع قانون، عرف و آداب و رسوم بوده و ارادی نمی باشد و از قبل بر افراد تحمیل شده که این امر در حقوق انگلیس تحت عنوان وظیفه مراقبت و در حقوق ایران به عنوان تکالیف قانونی بحث شده است. در حقوق ایران، ملاک پذیرش مسئولیت غیرقراردادی وکیل، احراز استناد ضرر به وی و تمرکز بر رابطه سببیت است و در همین راستا، عرف از ابزارهایی چون تقصیر و مجاز نبودن عمل زیان زننده بهره می جوید. اگرچه ممکن است گرایش غالب با رویکرد سخت گیرانه ای، تحت تأثیر موانع مسئولیت از جمله بیم عدم امکان تعیین دامنه مسئولیت، دوری ضرر و عدم قابلیت پیش بینی، به سمت عدم پذیرش مسئولیت باشد و جواز مسئولیت، جنبه استثنایی پیدا کند، ولی به نظر می رسد آنچه از گشودن بی حد و حصر دروازه مسئولیت جلوگیری می کند، تجویز به عدم پذیرش مسئولیت نیست بلکه می توان با بررسی موردی، در صورت احراز رابطه سببیت، جبران چنین خساراتی را پذیرفت. نظر به اینکه در نوشتار حاضر، از ورود ضرر به شخص ثالث، در جهت اثبات مسئولیت غیرقراردادی وکیل بهره گرفته شد؛ لذا پیشنهاد می شود که قوانینی ناظر بر تدوین بیمه مسئولیت غیرقراردادی تدوین و اجرا گردد؛ بدیهی است با این رویکرد، علاوه بر حمایت از وکیل و مصونیت او در برابر ورود خسارت و جبران آن، حقوق زیان دیده نیز تأمین می گردد.

منابع

- ابراهیمی، شهلا، ۱۳۹۷، مسئولیت مدنی وکیل دادگستری، نشر البرز، چاپ دوم.
- ابن مکی عاملی (شهید اول)، محمد، ۱۳۹۴، لمعه دمشقیه، ترجمه: علی شیروانی، قم، دارالفکر، چاپ پنجاه و دوم.
- اکبری، پرویز، ۱۳۹۶، اقامه دعوی همدار در مسئولیت مدنی، تهران، انتشارات دادگستر، چاپ اول.
- امامی، سید حسن، بی تا، حقوق مدنی.
- انصافداران، محمدرضا، ۱۳۹۶، بررسی تطبیقی وظایف حرفه‌ای وکیل دادگستری، تهران، انتشارات جنگل، جاودانه.
- باریکلو، علی رضا، ۱۳۹۷، مسئولیت مدنی، تهران، نشر میزان، چاپ دوم.
- جبعی عاملی (شهید ثانی) زین الدین بن علی، ۱۳۹۸، شرح اللمعه، ترجمه: علی شیروانی، قم، دارالعلم، چاپ نوزدهم.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۹۳، تاریخ حقوق ایران، تهران، گنج دانش.
- حجتی، سید مهدی، ۱۳۹۳، مجموعه دیدگاه‌های وکیل دادگستری، تهران، نشر کتاب آوا، چاپ سوم.
- داراب پور، مهراب، ۱۳۹۶، حقوق مدنی (۴) مسئولیتهای خارج از قرارداد، تهران، انتشارات مجد، چاپ سوم.
- ره پیک، حسن، ۱۳۷۶، الزامات بدون قرارداد، تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ اول.
- سمامی، عبدالله؛ شیخ الاسلامی، مرتضی ۱۳۹۲. تخلفات انتظامی وکلا، ج ۵، تهران: انتشارات خرسندی.
- صفایی، سیدحسین؛ رحیمی، حبیب الله، ۱۳۹۲، مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، تهران، انتشارات سمت، چاپ پنجم.
- صفایی، سیدحسین، ۱۳۹۷، مسئولیت مدنی تطبیقی، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش.
- طاهری، سید حبیب الله، ۱۳۹۵، مسئولیت مدنی، قم، نشر جامعه مدرسین قم، چاپ دوم.
- عامری، پرویز و دیگران، بررسی تطبیقی مبانی مسئولیت مدنی در حقوق ایران و آمریکا، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره هشتم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۷.
- عباسلو، بختیار؛ باباپسندی، مریم؛ صالحی، سعیده، ۱۳۹۵، نقش تخلف انتظامی در مسئولیت مدنی وکیل دادگستری، تهران، انتشارات مجد، چاپ اول.
- قهرمانی، نصرالله، ۱۳۹۳، مسئولیت مدنی وکیل دادگستری، نشر نسل نیکان، چاپ سوم.
- کاتوزیان، ناصر، اصول جبران خسارت، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، شماره ۴۱، ۱۳۷۷.
- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۷، الزامهای خارج از قرارداد، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۷، قواعد عمومی قراردادها، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۴، وقایع حقوقی، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ هشتم.
- کریمی لاری، علیرضا؛ صفایی، سیدحسین، مسئولیت مدنی وکیل دادگستری در برابر طرف دعوی و حق شرعی و اخلاقی ایشان»، مجله پژوهشهای اخلاقی، سال ۸، ش ۳، ۱۳۹۷.
- کیدری، قطب الدین محمد بن حسین، ۱۴۱۶ق، اصباح الشیعه بمصباح الشریعه، قم، موسسه امام صادق علیه السلام، ج ۱
- محسنی، حسن، ۱۳۹۳، وکالت و کانون وکلای دادگستری در نظامهای حقوقی، تهران، نشر شرکت سهامی انتشار، چاپ سوم.
- میرزایی، محمود، ۱۳۹۴، صد مقاله در مورد وکیل، تهران، نشر روان، چاپ دوم.

نادری، ناصر، ۱۳۹۴، وکیل دادگستری مدافع بی دفاع، تهران، نشر امیدوار، چاپ سوم.
 یزدانیان، علیرضا، ۱۳۹۵ حقوق مدنی حقوق تعهدات قواعد عمومی مسئولیت مدنی با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه، تهران، نشر میزان.

Alain B. Lévy . Le devoir d'information de l'avocat, Journal de Anwalts revue de lavocat 2010

Bertolaso.Sabine. "Mandataire" JurisClasseur Responsabilité

civile et Assurances , 1999

Bermingham, V., Hodgson, J., & Watson, S. Nutshells: Tort. Sweet & Maxwell, 2014.

Burrows, A, A restatement of the English Law of Contract, Oxford University Press, 2016.

Harpwood, V., Modern Tort Law. 7thed. Routledge, 2009.

Herstein, O. J., Responsibility in negligence: Why the duty of care is not a duty "to try". Canadian Journal of Law & Jurisprudence, 23(2), 2010.

O'sullivan, ganet & jonathan hilliard, the law of contract, 2010, oxford

university press

Long, Alex B., "Attorney Deceit Statutes: Promoting Professionalism

Through Criminal Prosecutions and Treble Damages", 44 UC Davis Law

Review 413 .2010

Parisi, F., Palmer, V. V., & Bussani, M., The comparative law and economics of pure economic loss. International Review of Law and Economics, 2007.

Peel, E., & Treitel, G. H., The law of contract. London: Sweet & Maxwell, 2015.

Salyzyn, Amy, "A Comparative Study Of Attorney Responsibility For Fees Of An Opposing Party", 2ST.JOHN'S Journal of International & Comparative law.vol. 3, No

Comparative study of non-contractual civil liability of lawyer

Fatemeh Malekiforooshani

PhD student at the University of Tehran Faculty of campus

Abstract

In some cases, without a contract between the parties, one person becomes responsible according to the law and is required to compensate for the damages, which is referred to as "non-contractual civil liability" or "compulsory liability". This matter can be discussed and investigated in the case of advocacy, like other professions, the present article has done a comparative study in a descriptive-analytical way with the aim of investigating the non-contractual civil responsibility of the attorney. The results of the research indicate that according to the legal system of Iran, America, England and France, the principle of compensating the loss is the responsibility of the person causing the damage, although in the American legal system, there is no consensus among the jurists in this regard, but in the entry Losses and damage, the principle of compensation for the loss is the responsibility of the person causing the damage, this matter is considered in English law under the title of "duty of care" and in Iranian law as "legal duties". Also, Article 1240 of the French Civil Code states that any A human action that leads to damage to another obligates the person whose fault this damage was caused to compensate for the damage, so if the lawyer causes loss and damage to a third party who is outside the contract become According to non-contractual liability, he is required to compensate for the damages; Moreover, drafting new laws or revising existing laws to establish non-contractual liability insurance for lawyers is effective in order to protect lawyers and protect the rights that have been lost.

Keywords: non-contractual civil liability, lawyer, comparative study, Iranian law